

نگاهی به علوم قرآنی بر اساس تفسیر مناہج البیان

حمید سلیم گندمی*

چکیده: مفسران، غالباً تفسیر خود را با مباحثی درباره علوم قرآنی آغاز می‌کنند و مبانی خود در تفسیر را در آن بازمی‌گویند. مرحوم آیه الله ملکی میانجی نیز، حدود هفتاد صفحه از جلد اول تفسیر «مناہج البیان» را به علوم قرآنی اختصاص داده، که ترجمه این بخش - با افزوده‌هایی از آثار چند مؤلف - در کتابی تحت عنوان «نگاهی به علوم قرآنی» عرضه شده است. وی، این مباحث را در ده عنوان آورده است: فضیلت قرآن، حجیت ظواهر قرآن، انزال و تنزیل، محکم و متشابه، تفسیر و روش صحیح آن، تفسیر به رأی، نسخ، بداء، اعجاز و تحدی قرآن. نویسنده مقاله در این گفتار، مروری کلی بر این مباحث دارد.

کلید واژه‌ها: ملکی میانجی، محمد باقر / مناہج البیان فی تفسیر القرآن / نگاهی به علوم قرآنی / فضیلت قرآن / حجیت ظواهر قرآن / نزول دفعی و تدریجی قرآن / محکم و متشابه / تفسیر، روش صحیح آن / تفسیر به رأی / تأویل / نسخ / بداء / اعجاز قرآن / تحدی قرآن.

۱ - مقدمات

۱-۱. آشنایی کلی

برای معرفی یک اثر از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌شود، به طوری که برخی معرفی‌ها بسیار کوتاه، برخی همراه با اندکی توضیح و تفصیل، برخی در قالب گزیده و خلاصه، در مواردی نیز همراه با نقد و بررسی و در برخی موارد همراه با شرح و تفصیل کامل می‌باشد. معمولاً معرفی آثار با عناوینی چون: کتابشناسی (توصیفی - تحلیلی)، کتاب شناخت، کتابنامه، مقاله نامه، چکیده نامه، معرفی کتاب، نقد و بررسی کتاب، گزیده و خلاصه کتاب،

* - کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

شرح و تفسیر و ... انجام می‌شود.

در این معرفی سعی بر آن است تا ضمن معرفی کلی اثر و شیوه‌ارائه مطالب و موضوعات در آن، خلاصه و گزیده‌ای از مطالب کتاب آورده شود تا خواننده محترم ضمن آشنایی کامل با روش نویسنده، به خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در کتاب دست یابد.

کتاب «نگاهی به علوم قرآنی» تألیف مرحوم آیه الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی است که آقای علی نقی خدایاری آن را ترجمه کرده، و با همت و همکاری آقای علی ملکی میانجی - فرزند مؤلف - آماده چاپ و نشر شده است.

مرحوم ملکی میانجی صاحب تألیفات و آثار ارزشمندی است که برخی از آنها به چاپ رسیده است. از جمله: کتاب مناہج البیان فی تفسیر القرآن در شش جلد شامل شش جزء قرآن مجید (چهار جزء اول و دو جزء آخر قرآن)، توحید الامامیه در کلام و اعتقادات و...

بیشتر مطالب کتاب نگاهی به علوم قرآنی از مقدمه جزء اول تفسیر مناہج البیان فی تفسیر القرآن، گزیده و ترجمه شده است. گفتار سوم آن کتاب، با عنوان «انزال و تنزیل» از جلد دوم تفسیر مناہج البیان و گفتار نهم (بداء) از کتاب «توحید الامامیه» انتخاب شده و در پاره‌ای از موضوعات به صورت استفاده حضوری و شفاهی از مؤلف، انتخاب، ترجمه و ویرایش شده است.

پس از انتخاب و ترجمه مطالب، با اهتمام و همکاری فرزند مؤلف - آقای علی ملکی میانجی - سامان دهی مطالب انجام شده و در قالب اثر حاضر ارائه گردیده است. ویرایش این اثر را آقای رضا بابایی بر عهده داشته، و در نهایت چاپ اول این کتاب با ۱۹۷ صفحه در ده گفتار منتشر شده است. (قم: نشر خرم، ۱۳۷۷).

۲- ۱. موضوعات اصلی

ده موضوع اصلی که در این اثر به آن پرداخته شده است، به ترتیب آنچه در کتاب آمده عبارتند از:

۱ - فضیلت قرآن

۲ - حجیت ظواهر قرآن

- ۳- انزال و تنزیل
- ۴- محکم و متشابه
- ۵- تفسیر و روش صحیح آن
- ۶- تفسیر به رأی
- ۷- تأویل
- ۸- نسخ
- ۹- بداء
- ۱۰- اعجاز و تحدی قرآن.

۳- ۱. شیوهٔ ارائه مطالب

اغلب کتابهای رایج در حوزهٔ علوم قرآنی، دو ویژگی عمده دارد: اول آنکه در چارچوب موضوعات مشخص و تعریف شده‌ای است. دوم آنکه بر مبنای کتاب‌های پیش از خود در همان حوزه، و با نقد و بررسی آنها نوشته شده است. کتاب حاضر، از نظر عناوین، مانند دیگر کتاب‌های علوم قرآنی است، اما از نظر روش ورود و خروج، تکیه بر منابع شیعی، و بیان فقهاتی در احادیث، با کتاب‌های دیگر تفاوت دارد.

از جمله مواردی که به شیوهٔ پردازش مطالب در اثر حاضر می‌توان به آن اشاره کرد، نکات زیر است:

۱- موضوعات مطرح شده در کتاب، همانند بسیاری از کتب تدوین شده در حوزه علوم قرآنی، موضوعات مشخص و به عبارت دیگر موضوعات کلاسیک می‌باشد: فضیلت قرآن انزال و تنزیل، محکم و متشابه، تفسیر و تأویل، نسخ و اعجاز.

۲- در پردازش مطالب ذیل هر موضوع، توجه محوری به آیات و روایات بوده و در اکثر موارد به آنها استناد و استشهاد شده است.

۳- تجزیه و تحلیل مطالب بر اساس درایت در احادیث به شیوهٔ رایج فقهای امامیه، انجام شده و بر همین اساس نتایج حاصله از هر موضوع با نتایج و استنتاج سایر کتب متفاوت می‌باشد.

۴- در بیشتر موضوعات و مباحث مطرح شده، توجه اصلی و تأکید به بحث خطاب عام و خطاب خاص قرآن شده است. توجه به این نکته، بسیاری از مشکلات و تعارضها در حوزه علوم قرآنی را حل می‌کند.

۵- آنچه که در ذیل هر موضوع، بحث و گفتگو شده، مباحث و نکات اصلی موضوع است و از تطویل و تفصیل زائد پرهیز شده است لذا می‌توان به عنوان سرآغاز و مفتاح در تحقیقات قرآنی، از آن بهره گرفت.

۲- گزارشی از موضوعات و مطالب

۱-۲. فضیلت قرآن:

نخستین موضوع مطرح شده در کتاب، بحثی است مختصر پیرامون فضیلت قرآن که در ذیل آن چند مطلب آمده است:

۱-۱-۲. فضیلت قرآن و لزوم تدبر در آن:

مؤلف با استناد به سه آیه از آیات مبارکه قرآن کریم و تمسک به پنج روایت، لزوم چنگ زدن به این حبل متین الهی را یادآور شده است، از جمله روایت معروف و سخن گهربار حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند:

«فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ الْإِلِّ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ... در هجوم فتنه‌ها به قرآن پناه برید، زیرا قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعت او پذیرفته است و...
فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ... (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۸) (۱)

حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ... بدانید قرآن، خیرخواهی است که نیرنگ و خیانت نمی‌کند... تا آنجا که می‌فرمایند: فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبِيهُ الْأَمِينِ وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ مَا لِلْقَلْبِ جَلَاءٌ غَيْرُهُ. قرآن ریسمان استوار الهی و دست آویز امین خداوند است. بهار دل و سرچشمه‌های دانش در اوست. و دل را جز او جلایی

۱- تمام استنادها در این مقاله، برگرفته از کتاب «نگاهی به علوم قرآنی» است.

۲ - ۱ - ۲ . تجلی خدا در قرآن:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « خداوند در کلام خود به مردم تجلی کرده است لکن آنان در نمی یابند.» (بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷) و حضرت علی علیه السلام در فرازی از خطبه ۱۴۷ در توضیح چگونگی این تجلی می فرماید: « سپس خداوند سبحان در کتابش - بدون آنکه او را ببینند - خود را برای آنها آشکار ساخت با آنچه از قدرتش به آنان نمایاند و از قدرتش ایشان را ترساند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)

مرحوم آیت الله ملکمی میانجی ضمن استناد به روایات فوق الذکر، نقش تذکری قرآن را یادآور شده و بیان می کند قرآن بزرگترین یادآور و ارزنده ترین راهنمای غافلان است که آنان را به یادکرد خدا می خواند و برای رساندن پیامها و تبیین مرامهای خود، نیازمند دانشها و روشهای دیگران نیست.

۳ - ۱ - ۲ . عصمت ذاتی قرآن :

قرآن از عصمت ذاتی برخوردار است. بنابراین هم برای خود حجّت است و هم با حجّیت خود، جداکننده حق از باطل و روشنگر تمام مسایل مورد اختلاف میان مردم در موضوعات دینی است، چراکه خداوند آن را نور، هدایت، بینه، ضیاء، تذکره و بصائر معرفی کرده است.

۴ - ۱ - ۲ . مهیمن بودن قرآن :

منظور از مهیمن بودن قرآن بر کتب آسمانی پیشین، آن است که قرآن مراقب و نگهبان کتب آسمانی پیشین است تا چیزی بر آنها افزوده نشود و در حقیقت ملاک تأیید و تصدیق، قرآن است. در این باره به آیه ۴۸ سوره مائده و فرازی از دعای ختم قرآن (دعای چهل و دوم) صحیفه سجادیه اشاره شده و نیز روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ كِتَابِي الْمُهَيْمِنَ عَلَى كُتُبِهِمُ النَّاسِخَ لَهَا.» « خداوند کتاب مرا نگاهبان و ناسخ کتب پیامبران پیشین قرار داد.» (بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۹۲)

۲-۲. حجیت ظواهر قرآن

مؤلف، حجیت ظواهر قرآن را با توجه به عواملی همچون: تحدی مبارزه پیامبر ﷺ به وسیله قرآن، ارجاع ائمه هدی علیهم السلام مردم را به قرآن، امر به تدبر و تفکر در قرآن مطرح کرده و نتیجه می‌گیرد که می‌توان - بلکه باید - به ظواهر قرآن و الفاظ آن تکیه کرد و در استنباط احکام و معارف از ظواهر قرآن بهره گرفت.

در توضیح این مطلب، مؤلف، مدخل جدیدی با عنوان «مراتب استفاده از قرآن» مطرح کرده و در ساحت علوم قرآنی به توضیح دو خطاب پرداخته است: اول: مقام خطاب عمومی قرآن که مخاطبان آن عامه مردم هستند و هرکسی با مراجعه به قرآن به اندازه توان خود از علوم و معارف آن بهره‌مند می‌شود. دوم: مقام خطاب خاص که مختص حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است و دیگران در این مرتبه از علوم قرآن، جز با تمسک به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، بهره‌ای ندارند. مقام خطاب عام قرآن با گستره و عمومیتی که دارد به دو بخش تقسیم می‌شود؛ الف: آنچه که مشترک بین عالم و جاهل است و برای همگان قابل دریافت می‌باشد. ب: بخشی دیگر مختص کسانی است که از ذهنی زلال، حسّی لطیف و شناخت و ادراک صحیح برخوردارند. مقام تذکر و ارشاد پیامبر و ائمه علیهم السلام ناظر به مقام خطاب عام است و مقام تعلیم و هدایت آن بزرگواران، ناظر به مقام خطاب خاص است.

۲-۳. انزال و تنزیل

مؤلف در ذیل این عنوان بیان می‌کند که از بارزترین اسماء کتاب خدا «قرآن» به معنای «خواندنی» و «کتاب» به معنای «فراهم شده و گردآمده» است. آنگاه در بحث تنزیل و انزال، تعارض مشهور در مورد نزول تدریجی طی ۲۳ سال بعثت و نزول دفعی در شب قدر ماه رمضان، و سپس توجیهاات و نظرات زمخشری در کشاف و شیخ محمد عبده در تفسیر المنار را در حل این تعارض به اختصار آورده و در کمال ایجاز نقد و بررسی کرده است. مسئله نزول دفعی و نزول تدریجی را از منظر مرحوم علامه طباطبائی، صاحب تفسیر المیزان با تفصیل بیشتر مطرح کرده و به نقد و بررسی نظرات صاحب تفسیر المیزان پرداخته است و در این بررسی همه آیاتی را که مرحوم علامه طباطبائی در این بحث به آنها استناد و استشهاد کرده است، به ترتیب بیان می‌دارد.

در پایان این بحث برای رفع تعارض قطعی میان نزول تدریجی و نزول دفعی، به روایت حفص بن غیاث استناد کرده و با تأکید بر اینکه این روایت، خبر واحد است اما مفاد آن منع عقلی ندارد، نتیجه می‌گیرد که: «تعارض در نزول، احتمالی خواهد بود نه تعارض قطعی». به طور خلاصه، در باب جمع بین نزول دفعی و تدریجی می‌گوید: مجموع قرآن در ماه رمضان به بیت معمور و آنگاه در طول ۲۳ سال به صورت تدریجی به پیامبر ﷺ نازل شده است. ظاهراً منظور از نزول قرآن به بیت معمور، نزول قرآن به اُمنای وحی و خازنان و حافظان علوم است، چنانکه حضرت امام سجاده علیه السلام در دعای خود برای حاملان عرش و فرشتگان مقرب در صحیفه مبارکه سجادیّه فرماید: «وَ الطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ». (صحیفه سجادیه، دعای سوم)

۴-۲. محکم و متشابه

۱-۴-۲. محکم و متشابه در قرآن و احادیث:

سرآغاز بحث مؤلف در موضوع محکم و متشابه، آیه ۷ سوره آل عمران است: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...

که در ذیل این آیه به چند نکته اشاره کرده است:

۱) احکام و تشابه، از صفات و ویژگی‌های الفاظ و دلالت هاست، نه از صفات معانی و

مدلول‌ها.

۲) تقسیم آیات به محکم و متشابه، به لحاظ واجب بودن اخذ محکم و پیروی از آن در برابر حرمت اخذ متشابه و پیروی از آن است. این تقسیم، هم متوجه الفاظی است که دلالت بر معانی دارند و هم زمینه سازی برای انقسام مردم در عمل به قرآن، به دو گروه منحرفان و راسخان است.

۳) محکم، آیه‌ای است که در دلالتش بر مراد، هیچ گونه خدشه و خللی وجود ندارد، و متشابه به این معنی است که لفظ دارای دو یا چند وجه - در معنای جمله‌ای کلام نه در مفرد واژه‌ها - است که هیچ یک از آنها در مقام تفهیم و تفاهم، معلوم و معین نشده است و تعیین یک وجه نیازمند دلیل است.

۴) ارجاع متشابه به محکم، به معنای تفسیر و تبیین و رفع تشابه به وسیله محکّمات نیست. بلکه آیات محکم تنها ظهور ابتدایی متشابه را رفع می‌کنند و هیچ گونه بیانی در خصوص معنا و

مراد آیات متشابه به دست نمی‌دهند.

۵) از بررسی روایات در موضوع محکم و متشابه، دو مطلب زیر به دست می‌آید:

الف: ایمان و عمل به آیات محکم، واجب است. امادر مورد آیات متشابه، ایمان به آنها واجب و عمل به آنها حرام است.

ب: دستیابی به تأویل آیات متشابه، تنها از مجرای وحی امکان‌پذیر است و دانش تأویل متشابهات قرآن در انحصار راسخان در علم (پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام) می‌باشد، پس همگان باید برای تفسیر و تأویل آیات متشابه به بیانات و روایات معصوم علیهم‌السلام مراجعه نمایند.

۲-۴-۲. بررسی چند نظریه:

آراء و اقوال بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی در موضوع محکم و متشابه ارائه شده که سیوطی در «الاتقان فی علوم القرآن» جلد ۲ و شیخ محمد عبده در تفسیر «المنار» جلد ۳ این اقوال را گردآوری کرده‌اند.

مرحوم آیت الله محمد باقر ملکی میانجی ده قول و نظریه را در تعریف و توضیح آیات محکم و متشابه ذکر و هریک را به اختصار در ترازوی نقد و بررسی به سنجش آورده است. اجمال اقوال دهگانه به قرار زیر است:

آیات متشابه	آیات محکم	
به آن ایمان آورده، عمل نمی‌شود	به آن عمل می‌شود	۱
دانش و شناخت آن خاص خدا است.	شناخته شدن مراد آن به ظهور یا تأویل	۲
احتمال تأویل به وجوه متعدد دارد.	احتمال تأویل به بیش از یک وجه ندارد	۳
مقابل معقول المعنی باشد. (۱)	معقول المعنی باشد	۴
جز به تأویل دریافتنی نیست	تأویل آن همان تنزیل آن است	۵
بارجاع به غیر، استقلال پیدامی‌کند	به خودی خود مستقل می‌باشد	۶
باقی آیات متشابه‌اند که همدیگر را تصدیق می‌کنند	احکام حلال و حرام را بیان می‌کنند	۷
نسخ شده‌اند = آیات منسوخ	نسخ نشده‌اند	۸
الفاظ آن تکرار شده باشد.	الفاظ آن تکرار نشده باشد	۹
آیات صفات خداست. تنها صفات خدا، متشابه هستند.	آیات غیر صفات خداست	۱۰

۳- ۴- ۲. محکم و متشابه در المیزان :

مؤلف نظریات صاحب تفسیر المیزان را در معنای تشابه و در معنای ام الکتاب بودن محکومات ذکر کرده و در نقد و بررسی این نظریات، سه اشکال را مطرح می‌کند.

۴- ۴- ۲. خلاصه و نتیجه :

(۱) آیات محکم، مایه و اساس کتاب خدا و عماد و اصول آن است. بنابراین اعتقاد و عمل به آنها - از جمله عمل به محکومات و سکوت در مورد متشابهات - باعث می‌شود که خداوند، هرکس را که معتقد و عامل به محکومات باشد، به دلیل ترک متشابه مورد مؤاخذه قرار ندهد.

(۲) متشابه، باارجاع به محکم، نه تنها محکم نمی‌شود که ظهور نیز پیدا نمی‌کند

۱ - ظاهراً در این تعریف، منظور از معقول المعنی مسایل غیر تعبدی است که مقابل احکام تعبدی قرار دارد.

۳) توضیح و تفسیر تشابهات را باید در ادله دیگری که به طور مستقیم و غیر مستقیم در خصوص تبیین این متشابه وارد شده‌اند، جستجو کرد.

۴) اخبار و احادیث متشابه نیز همین حکم را دارد. اخبار متشابه را بر کتاب و سنت عرضه می‌کنیم، و توسط ادله دیگری از کتاب و سنت که ناظر به این تشابهات‌اند، آنها را تشریح و تبیین می‌نمائیم. در غیر این صورت باید علم آنها را به خدا و معصومین علیهم‌السلام واگذار نمود.

۵-۲. تفسیر و روش صحیح آن :

۱-۵-۲. معنای تفسیر :

تفسیر را «پرده برداری از یک چیز و آشکار ساختن آن» معنی کرده‌اند. بنابراین تفسیر کلام با نوشتار، هنگامی ضرورت می‌یابد که در دلالت آن بر مراد گوینده یا نویسنده، مانع و حجابی وجود داشته باشد. پس اگر کلامی در معنایی، صراحت یا ظهور داشته باشد، بیان آن ظهور، تفسیر نامیده نمی‌شود، زیرا حجابی در سخن صریح و ظاهر وجود ندارد.

براساس این تعریف و با توجه به بحث خطاب عام و خطاب خاص، این چنین به دست می‌آید که :

- در آنجا که خطاب عام - مرتبه دلالت نصوص و ظواهر قرآن - مطرح است، ظهور ابتدایی آیات حجیت دارد و نیازی به رفع مانع و حجاب نمی‌باشد. بنابراین، این بخش از آیات قرآن، از تفسیر بی‌نیاز است.

- در خطاب خاص قرآن - که نمی‌توان به ظهور ابتدایی آیات استناد نمود - نیاز به تفسیر و پرده برداشتن و رفع حجاب دارد. تفسیر در این مقام عبارت است از: « بیان مراد خداوند؛ پرده برداری از آن با اعمال روشهای علمی و اصولی، بهره‌گیری از قرائن متصل و منفصل در آیات و روایات معصومین، و با استفاده از ادله عقلی و به طور کلی ادله اربعه. »

با توجه به این معنا، روش پسندیده و صحیح تفسیری از نظر مؤلف گرانقدر، روش اجتهادی است که مبتنی بر عقل و قرآن و سنت است و فقهای بزرگ اصولی شیعه بر آن روش بوده‌اند.

۲ - ۵ - ۲ . نقد روش تفسیری المیزان :

روشهای تفسیری مختلفی در بین مفسران شیعه و سنی وجود دارد. یکی از این شیوه‌های تفسیری، روش تفسیر قرآن به قرآن است که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، عمدتاً از این روش استفاده کرده است.

در تفسیر المیزان آمده است: «حق این است که طریق فهم قرآن کریم مسدود نیست و بیان الهی و ذکر حکیم خود راهنمای خود است. یعنی قرآن در تبیین مقاصد خود نیازی به طریق (دیگر) ندارد. چگونه قابل تصور است کتابی که خداوند آن را هدایت و نور و بیانگر همه چیز معرفی فرموده، خود نیازمند راهنمای دیگری باشد و از روشنایی دیگری فروغ بگیرد و با وسیله‌ای دیگر تبیین شود.» (المیزان، ج ۳، ص ۸۸)

مرحوم ملکی، ضمن بیان نظریه صاحب المیزان، چهار اشکال و ایراد را بر روش تفسیری قرآن به قرآن مطرح کرده و به بحث و بررسی پیرامون آن‌ها پرداخته است.

۲ - ۶ . تفسیر به رأی

به حکم احادیث و روایات متواتر، تفسیر قرآن به رأی شخصی ممنوع شده است. از جمله این احادیث:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «قال الله جلَّ جلاله: ما آمنَ بي مَنْ فسَّرَ برأيه كلامي و...» خداوند جل جلاله فرمودند: کسی که با رأی و نظر خود کلام مرا تفسیر کند به من ایمان نیاورده است... (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۶)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «مَنْ فسَّرَ (برأيه) آيةً مِنْ كتابِ الله فَقَدْ كَفَرَ» هرکسی (با رأی خود) آیه‌ای از کتاب خدا را تفسیر کند هر آینه کافر گشته است. (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸)

و نیز فرمودند: هرکسی قرآن را با رأی و اندیشه خود تفسیر کند، در صورتی که به واقع اصابت کند بی‌اجر باشد و اگر به خطا رود گناهش را به دوش کشد. (همان، ص ۱۷)

۱ - ۶ - ۲ . معنای تفسیر به رأی :

مؤلف ذیل این عنوان، به همان بحث کلیدی خود - بحث خطاب عام و خطاب خاص قرآن -

باز می‌گردد و این گونه اظهار نظر می‌کند: تفسیری که در روایات از آن منع شده، عبارت است از تفسیر قرآن در مقام استنباط علوم و معارف و احکامی که به حوزه خطاب خاص آن مربوط است، نه آنچه که مربوط به خطاب عام، و در دسترس همگان است. بحث تدبر در قرآن، ناظر به خطاب عام می‌باشد.

آیا حجیت قرآن برای جمیع اهل عالم، با اختصاص تفسیر قرآن در مرتبه خاص خطاب به رسول خدا و اهل بیت علیهم‌السلام تعارض دارند؟ در اینجا به ذکر این دلیل عقلی اکتفا شده که « ادله منع از تفسیر، و ادله مثبت حجیت قرآن، عام‌اند، و هیچ تعارض عقلی میان عام و خاص نیست. »

۲ - ۶ - ۲ . پیامدهای تفسیر به رأی :

با وجود نهی از تفسیر به رأی و حرمت شدید آن، گروهی از مردم در تفسیر قرآن به تفسیر و توضیح حجت‌های معصوم علیهم‌السلام توجه نکرده‌اند و قرآن را آن گونه تفسیر می‌کنند که با محصولات افکار و اندیشه‌هایشان مطابقت داشته باشد. در حالی که بر مسلمانان واجب و ضروری است که در مرتبه خطاب عام قرآن، آراء و نظریات خود را با نصوص و محکومات و اصول مسلم آن ارائه و با آن تطبیق کنند، و در مرتبه خطاب خاص قرآن، با تفسیر و تبیین وارده از معصوم علیهم‌السلام بسنجند.

۳ - ۶ - ۲ . نگاهی به روش تفسیری صحابه و تابعان

در بحث روش و شیوه تفسیری صحابه و تابعان، باید به این نکته مهم توجه کنیم که با بروز توطئه‌های سهمگین صدر اسلام و انحراف در مسأله امامت و رهبری امت اسلامی، روشهای تعلیم و تربیت قرآن - از جمله روش تفسیر قرآن - از بستر صحیح خود خارج شد و انحراف این دوره از روش صحیح تفسیری، انحرافات بعدی از روش صحیح تفسیری را پدید آورد. حق این است که تلاش و کوشش ما باید برای یافتن حق و استنباط معارف و احکام قرآن از مجاری صحیح آن باشد. بنابراین نباید علوم و معارف دین را در فهم‌ها و اندیشه‌های مسلمانان صدر اسلام محدود نمائیم. در این میان، بزرگ نمایی برخی نام‌ها و اشخاص صدر اسلام نیز درست نیست، زیرا که در میان صحابه، افرادی نیز بودند که با اینکه سالها هم عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند و

پیامبر ﷺ در میان ایشان بود، حتی نحوه صحیح وضو را از آن حضرت فرا نگرفتند، چه رسد به فراگرفتن علوم و معارف.

انحراف از روش صحیح تفسیری، تا بدانجا پیش رفت که نوشتن حدیث و نقل سنن نبوی - که منبع اصلی تفسیر قرآن می باشد - ممنوع گردید.

در کتاب کافی ضمن حدیث مفصلی از سلیم بن قیس، کلام حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در خصوص علل وجود اختلافات در تفسیر قرآن و احادیث نبوی گزارش شده که بسیار خواندنی و شنیدنی است. (اصول کافی، ج ۱، ص ۶۲)

۷-۲- تأویل

با توجه به آیه ۷ سوره آل عمران نکات زیر قابل یادآوری است :

- مردم، نسبت به قرآن، به دو گروه تقسیم می شوند: ۱- اهل شک و انحراف و هوا و هوس که در مسیر حق گام برنمی دارند و به تصریح قرآن به جهت فتنه گری از آیات متشابه پیروی می کنند
۲- راسخان در علم که می دانند برگرداندن کلام الهی از مواضع آن به حکم عقل، کفر به آیات الهی است.

- بزرگترین مصیبت بر سر اسلام، تأویل و منحرف کردن دلالت های قرآن بوده که منشأ همه نوع گمراهی است. و متأسفانه روز به روز بازار تأویل شدیدتر و گرم تر شد، به گونه ای که هیچ اصل محکمی از قرآن نماند، مگر آنکه به آفت تأویل گرفتار شد.

- قرآن کریم تأویل واقعی دارد که مورد نظر خداوند متعال است. برای فهم و دریافت آن باید از مجاری صحیح آن وارد شد.

- آیه در مقام اثبات حصر علم تأویل برای خداوند متعال نیست، بلکه ظاهراً در پی نفی استقلال و تفویض از راسخان در علم است. حرف «واو» در جمله « **والراسخون فی العلم** » چه به معنای عطف باشد و چه استیناف، به هر حال، دانش تأویل از خصایص پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام است. از این رو، آگاهی به تأویل، تنها با مراجعه به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر است.

- به حکم محکمات قرآن و روایات متواتر، باید به ظاهر و باطن، و تنزیل و تأویل قرآن

ایمان آورد. ایمان باطن‌گرایان اگر همراه با انکار ظاهر قرآن باشد، پذیرفته نیست، همچنانکه ایمان ظاهرگرایان، اگر تأویل‌های پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را نپذیرند، مقبول نمی‌باشد. - فرق تأویل با تفسیر، آن است که تفسیر از لحاظ تفهیم و تفاهم، به مراد و هدف گوینده نزدیکتر است و تأویل در مرتبه‌ای پس از تفسیر قرار دارد.

- عرصه تأویل، با توجه به آیات و روایات کل قرآن است. و تمامی قرآن اعم از محکم و متشابه تأویلی دارد که مراد خداوند سبحان است. و علاوه بر ظاهر، تا هفت بطن برای قرآن وجود دارد.

- تمامی مخاطبان قرآن - اعم از جنّ و انس - از لحاظ ایمان به خدا و رعایت تقوا و پایبندی به اصول اخلاقی و همه آنچه از خطاب عمومی قرآن فرا گرفته‌اند، در پیشگاه قرآن کریم مسئولند، اما در قبال دانستن و فراگیری تأویل قرآن، مسئولیتی ندارند.

۱ - ۷ - ۲ . راسخان در علم

راسخان در علم، کسانی هستند که تأویل قرآن را می‌دانند. شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برترین راسخان است. چنین نیست که خداوند، قرآن را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل کند، اما تأویل آن را به حضرتش نیاموخته باشد و به یقین جانشینان پیامبر نیز دانش تأویل را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ارث برده‌اند.

حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ». راسخان در علم ما هستیم و ما تأویل قرآن را می‌دانیم. (بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹۹)

۲ - ۷ - ۲ . ارزیابی چند نظریه

مؤلف ذیل این عنوان به بررسی و ارزیابی دو نظریه در مورد حقیقت تأویل پرداخته است: نظریه مرحوم علامه طباطبائی در جلد سوم میزان و نظریه شیخ محمد عبده در جلد سوم تفسیر المنار.

۳- ۷- ۲. نمونه‌هایی از تأویل‌های ناروا

تأویل قرآن از شؤون معصومان علیهم‌السلام است و دیگران برای فهم و دریافت تأویل قرآن باید به پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه نمایند. عده‌ای از دانشمندان بدون توجه به این واقعیت و مراجعه علمی به اهل بیت علیهم‌السلام دست به تأویل و توجیه آیات قرآن زده‌اند. نمونه‌هایی از این گونه تأویل، از دانشمندان زیر آورده شده است: ملا عبدالرزاق کاشانی در تفسیر خود، ابن عربی در کتاب فصوص الحکم، ملاصدرا در مفاتیح الغیب، میرداماد، حاج ملاهادی سبزواری در شرح منظومه.

۸- ۲. نسخ

۱- ۸- ۲. معنای نسخ

در فرهنگ لسان العرب در معنای نسخ گوید: «نسخ، از بین بردن یک چیز و جایگزین کردن دیگری به جای آن است...».

اصل معنای نسخ، چیزی است که در آن، از میان بردن، عوض کردن و تغییر و تبدیل لحاظ شده است.

اطلاق جریان نسخ در آیات الهی، یک اطلاق بدلی است. یعنی همواره امکان دارد آیات منسوخ شوند، ولی همین اطلاق در معرض تقیید است، چراکه برخی از آیات الهی مانند وجوب تقوی و حرمت فسق و فجور، نسخ ناپذیرند.

۲- ۸- ۲. نسخ در نظام هستی

نسخ شامل آیات تشریحی و آیات تکوینی می‌شود، در عیون اخبار الرضا علیه‌السلام مناظره سلیمان مروزی با حضرت امام رضا علیه‌السلام ذکر شده که حضرت با اشاره به آیه «يَمْحُوا اللَّهُ وَمَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد، ۳۹) فرمودند: آیا با این وجود، (خداوند) از کار آفرینش فارغ شده است؟ (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷۹)

در قرآن مجید، اعتقاد به استحالۀ نسخ در احکام و تغییر و تبدیل نظام موجود آفرینش مورد نكوهش قرار گرفته است و بیان می‌دارد که دست خداوند بسته نیست، سنت الهی در نظام

آفرینش آن است که ، خلق می‌کند و از بین می‌برد، می‌بخشد و دریغ می‌کند، زنده می‌کند و می‌میراند و... پس اگر خداوند بخواهد، آنچه قبلاً مکتوب بود محو می‌کند و آنچه به هیچ وجه نبوده، اثبات می‌نماید.

۳ - ۸ - ۲ . نسخ و مشیت ازلی

مستند کردن نسخ به مشیت ازلی الهی، یکی از شبهاتی است که در موضوع نسخ مطرح می‌شود. بر این اساس، نسخ عبارت است از اظهار و ابراز زوال آیه منسوخ و اعلام اتمام زمان آن، و ایجاد آیه نسخ تنها ایجاد چیزی است که از ازل طبق مشیت الهی ثابت بوده است. مؤلف محترم بیان می‌دارند: اگر نسخ این گونه باشد، دیگر معنای اصلی خود را از دست خواهد داد. تغییر، از میان بردن چیزی، و پدید آوردن چیزی جدید که قبلاً نبوده، در این معنای نسخ جایی ندارد و این همانند التزام به عقیده یهود است که مبتنی بر عینیت مشیت الهی با علم الهی است.

۴ - ۸ - ۲ . معنای اصطلاحی نسخ

نسخ در اصطلاح عبارت است از رفع و برداشتن حکمی از احکام شریعت، که در این جهت نقطه مقابل «بدا» است که مجعولات تکوینی را در برمی‌گیرد. نسخ حکمی در شریعت سابق به وسیله حکمی از احکام شریعت لاحق، همانند این است که حکمی در شریعت به وسیله حکمی دیگر از همان شریعت نسخ شود.

۹ - ۲ . بداء

۱ - ۹ - ۲ . معنای بداء

بداء در لغت به معنی پیدایش رأی می‌باشد. در معارف الهی، بداء به این معناست که خداوند سبحان با مشیت جدید، مشیت قبلی خود را محو کند و یا اجزا و ابعاض آن را تغییر دهد یعنی خداوند با مشیت دوم، آنچه را که در مشیت اول خواسته است از بین می‌برد (يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ) و آنچه را که متعلق به مشیت قبل نبوده به وجود می‌آورد. (وَيُثَبِّتُ).

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۳۹ سوره رعد فرمودند: « آیا جز آنچه (واقعاً) ثابت بوده محو می شود؟ و غیر از چیزی که (واقعاً) نبوده اثبات می گردد؟ (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۶)

۲ - ۹ - ۲ . اهمیت بداء

بداء نشانه و مظهر قدرت و مالکیت خداست. بنابراین معرفت بداء و تسلیم شدن در برابر آن، خود بنفسه یک عبادت است که هیچ عبادتی بدان مایه و ارزش نیست.
امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمودند: « ما عُبدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بشيءٍ مثل البداء » خداوند عزوجل با چیزی مثل بداء عبادت نشده است. (توحید، ص ۳۳۱)

۳ - ۹ - ۲ . مشیت ازلی در دیدگاه وحی

ممکن است بر مبنای مشیت ازلی خداوند، آیه « یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب » این گونه توضیح و تفسیر شود که « همه حوادث عالم بر طبق مشیت ازلی الهی که همان علم خداست در ام الكتاب نوشته شده و متعلق مشیت الهی قرار گرفته، پس تصور تغییر و تبدیل در آنچه متعلق علم و مشیت الهی قرار گرفته معقول نمی باشد. بنابراین کلیه حوادث عالم در ام الكتاب مکتوب و به دست توانای خداوند جاری می شود. و بر این اساس خداوند با حکم دوم، حکم اول را از بین می برد.»

مرحوم آیت الله محمد باقر ملکی میانجی، بر این نظریه و تفسیر آیه، چند اشکال مطرح کرده و پس از بررسی اجمالی نتیجه می گیرد که خداوند فاعل بالابداء و الإنشاء و از باب قدرت و مالکیت است. مشیت الهی، فعل متعین خداست. مشیت جدید، تعیین خلق جدید و یا محو امر ثابت در مشیت قبلی است. تفسیر آیه به حوادث مکتوب در ازل، معنای محو و اثبات حقیقی را به معنای « انقضای اجل مکتوب و ابراز امر ثابت و مکتوب در ازل » دگرگون می سازد و این معنا صحیح نیست.

۴ - ۹ - ۲ . بداء در معارف الهی و معارف بشری

در ذیل این عنوان، به پنج مورد اختلاف میان معارف الهی با دستاوردهای علوم بشری اشاره

شده است :

- ۱) تحدید علم خدا و تعین آن به نظام واحد احسن جایز نیست.
- ۲) قدرت و مالکیت خداوند بر نظام آفرینش فعلی و یا نظام‌های بی‌پایان دیگر حتی نقایض و اضداد آنها، در عرض واحدی قرار دارد.
- ۳) تعین یک نظام آفرینش با مشیت، اراده و قدر خداوند - که فعل خداوند می‌باشند - صورت می‌گیرد.
- ۴) همه ما سوی الله حقیقتاً حادث و مسبوق به عدم محض است، و ازلیت منحصر به خداوند است.
- ۵) خداوند از آفرینش فارغ نشده و قدرت تغییر و تبدیل در آن را دارد.

۵ - ۹ - ۲ . بداء بر پایه علم و آگاهی

فخر رازی در تفسیر خود گفته است : رافضه می‌گویند بداء بر خداوند جایز است و آن عبارت از این است که خداوند به چیزی اعتقاد پیدا کند، آنگاه برای او معلوم شود که موضوع برخلاف آن است و در این مورد به آیه « یمحو الله ما یشاء و یشیت و عنده ام الكتاب » استناد کرده‌اند. (تفسیر کبیر، ج ۱۹، ص ۶۶)

در حالی که شیعه بر مبنای روایات منقول از امام صادق علیه السلام عقیده دارد است بداء بر پایه علم استوار است.

امام صادق علیه السلام فرماید: « خدا را دو علم است : علم مکنون و پوشیده که جز او را بدان راهی نیست و بداء از این علم صورت می‌گیرد، و علمی که آن را به فرشتگان و رسولان و پیامبرانش آموخته و ما بدان آگاهیم. » (بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۹)

۶ - ۹ - ۲ . آثار اعتقاد به بداء

اعتقاد به بداء، مفهوم دعا را معنا می‌بخشد و مفهوم تغییر قضا با صله ارحام، زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام، پرداخت صدقه ... را توجیه و تفسیر می‌کند که مرحوم مؤلف با ذکر احادیثی به بررسی اجمالی آنها پرداخته است.

۱۰-۲- اعجاز و تحدی قرآن

۱- ۱۰-۲- ضرورت اعجاز

پیامبران برای اثبات مدعای خود آیات و معجزاتی آورده‌اند که برای عامه مردم قابل درک و دریافت است.

حقیقت نبوت و رسالت، از عامه مردم محجوب بوده و نیل و دریافت آن از طریق حواس و عقول امکان‌پذیر نیست، هرچند شناخت صدق و کذب پیامبران و ایمان آوردن به آنها، برای عقل میسر است.

برای تصدیق مقاصد و تعالیم پیامبران نیازی به معجزه نیست، زیرا ایمان به برخی تعالیم انبیاء به شرط صدق نبوت و بعد از شناخت آنها جایز است، پاره‌ای از تعالیم مطلقاً نیاز به علم و تذکر و تدبر دارد و، و برای برخی دیگر از تعالیم مانند احکام فرعی شرعی، تعبد کافی است.

۲- ۱۰-۲- اعجاز قرآن

مؤلف ضمن اشاره به آیاتی که تحدی و مبارزه‌طلبی قرآن را بیان کرده، در موضوع اعجاز قرآن به دو مقام جدا از هم اشاره می‌کند:

الف: مقام عجز از آوردن مثل قرآن

ب: مقام علم به اینکه قرآن کلام الهی است و برای هدایت جهانیان بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است.

در مقام تحدی، کل جامعه بشری را به مبارزه فرا می‌خواند و تنها فصیحی عرب یا مردم عصر نزول را در برنمی‌گیرد، بلکه شامل همه افراد و در تمامی دوران‌هاست.

۳- ۱۰-۲- وجه تحدی و اعجاز قرآن

از آنجاکه تحدی قرآن عام و شامل همه جنّ و انس می‌باشد - نه فقط فصحا و بلغای عرب - معلوم می‌گردد که وجه تحدی قرآن نیز منحصر به فصاحت و بلاغت اصطلاحی نیست. مؤلف در مقابل گروهی که تحدی قرآن را حمل بر فصاحت و بلاغت اصطلاحی کرده‌اند، اشکلاتی را مطرح می‌کند:

۱) تحقیر شأن قرآن و مقام رسالت است که بخواهد افراد سخنور عرب را به مبارزه بطلبد.
۲) اعجاز قرآن باید به گونه‌ای باشد که همه افراد، طعم عجز و ناتوانی خود را بچشند، نه یک گروه خاص.

۳) کلام خدا از سنخ کلام بشر نیست که به صرف داشتن مدارج و مراتب به عنوان یک پدیده مشکک، برتر و بالاتر از کلام مخلوقات باشد.

۴ - ۱۰ - ۲ . چند نمونه تاریخی از تأثیر قرآن

مؤلف بیان می‌دارد که وجه تحدی قرآن و اعجاز آن را باید از کتاب و سنت و تاریخ نزول قرآن و حوادثی که میان رسول خدا ﷺ با دشمنان و مخالفان قرآن رخ داده، جستجو کرد. بنابراین به ذکر نمونه‌هایی تاریخی از تأثیر و اعجاز قرآن می‌پردازد.

۵ - ۱۰ - ۲ . اعجاز قرآن در حوزه تعالیم و معارف

اعجاز پیامبر ﷺ باید از سنخ اهدافی باشد که برای آن مبعوث شده است. شأن و مقام نبوت و رسالت عبارت است از هدایت و اصلاح جامعه بشری و زدودن آلودگی‌های آن و سوق دادن به کمالات بالاتر. بر این اساس تحدی از زاویه فصاحت و بلاغت - چه برای فصیحای عرب باشد و چه برای همه مردم - هیچ فایده و ثمری ندارد. مؤلف، مقایسه اعجاز فصاحت و بلاغت را با معجزات سایر پیامبران، مانند زنده کردن مردگان جایز نمی‌داند و معتقد است معجزات پیامبران، امور قابل تشکیک نیستند که قسمی از آن برای انسانها مقدور و قسمی خارج از توان آنها باشد، بلکه آیه و معجزه حقیقت واحد غیرمشکک است که ویژه خدا و از افعال خداست و افعال خداوند چگونگی ندارند و قابل تعقل و تصور و توهم نیستند.

۶ - ۱۰ - ۲ . قرآن کلام خدا

اعجاز دارای دو ویژگی و شرط است :

الف : خارق العاده بودن . ب : تباین ذاتی با افعال بشر

بنابراین اعجاز، فعل خداوند سبحان است که مستقیماً و بدون واسطه علل و اسباب عادی و

خارج از قوانین و سنن طبیعی محقق می‌شود. به تصریح آیات و روایات، قرآن کلام (= فعل) خداست. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هُوَ كَلَامُ اللَّهِ وَقَوْلُ اللَّهِ وَكِتَابُ اللَّهِ وَوَحْيُ اللَّهِ وَتَنْزِيلُهُ...» قرآن کلام خدا و سخن خدا و کتاب خدا و وحی خدا و تنزیل است. (توحید صدوق، ص

(۲۲۴)